



دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

## پایان‌نامه‌ی دکترا در رشته‌ی روانشناسی تربیتی

پیش‌بینی فرایند تصمیم‌گیری توسط انگیزش، هیجانات و  
ارزیابی‌های شناختی هیجانات با واسطه‌گری تمایلات  
فراشناختی: رویکردی یکپارچه در تصمیم‌گیری

به وسیله‌ی  
مهدی رحیمی

استاد راهنما  
دکتر بهرام جوکار

خرداد ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا

اظہارنامہ

اینجانب مهدی رحیمی دانشجوی رشته ی روانشناسی گرایش تربیتی دانشکده ی علوم تربیتی و روانشناسی اظہارمی کنم کہ این پایان نامہ حاصل پژوهش خودم بودہ و در جاهایی کہ از منابع دیگران استفادہ کردہ ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشتہ ام. همچنین اظہارمی کنم کہ تحقیق و موضوع پایان نامہ ام تکراری نیست و تعہد می نمایم کہ بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن را منتشر ننمودہ و یا در اختیار غیر قرار ندم. کلیہ حقوق این اثر مطابق با آیین نامہ مالکیت فکری و معنوی متعلق بہ دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی: مهدی رحیمی

تاریخ و امضا: ۱۳۹۰/۳/۲۴

به نام خدا

پیش بینی فرایند تصمیم گیری توسط انگیزش، هیجانات و ارزیابی های شناختی  
هیجانات با واسطه گری تمایلات فراشناختی: رویکردی یکپارچه در تصمیم گیری

به کوشش  
مهدی رحیمی

پایان نامه  
ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی  
از فعالیت های تحصیلی لازم برای اخذ درجه دکتری

در رشته ی  
روانشناسی تربیتی

از دانشگاه شیراز  
شیراز  
جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه : عالی

دکتر بهرام جوکار، دانشیار بخش روان شناسی تربیتی (رئیس کمیته)

دکتر محمد خیر، استاد بخش روان شناسی تربیتی

دکتر مرتضی لطیفیان، دانشیار بخش روان شناسی تربیتی

خرداد ۱۳۹۱

تقدیم به مریم و آدینای عزیزم به پاس وجود نیکشان

## سپاسگزاری

در ابتدا یاد استاد بزرگووارم مرحوم دکتر رضویه را گرامی می‌دارم که همه ما به نوعی وامدار زحمات ارزشمندشان هستیم. بر خود می‌دانم از زحمات استاد گرانقدرم دکتر جوکار تقدیر کنم. کسی که لحظه لحظه از او آموختم و به میزان کلمه کلمه رساله‌ام مصدع اوقاتشان گردیدم. اکنون نیز بر خود می‌بالم که نام ارزشمندشان بر رساله اینجانب تحت عنوان راهنما به یادگار خواهد ماند. معنای واقعی مفهوم معلم برازنده نام ارجمندشان است. از استاد بزرگووارم دکتر خیر سپاسگزارم که همواره مرا از علم خویش بهره‌مند ساخته و نکته‌ها آموختند. شاگردی ایشان مایه مباهات و افتخارم می‌باشد. مراتب تقدیر خویش را به استاد گرامیم دکتر لطیفیان تقدیم می‌کنم که نحوه‌ی صحیح زیستن را بر من آموخت. کرامت نفس و بزرگواری منش ایشان تا ابد الگو و اسطوره‌ی زندگی‌م خواهد بود. از استاد عزیزم دکتر حسین چاری تقدیر می‌کنم که با تواضع و صداقت به آموزش و پرورش ما اهتمام ورزیدند و بی هیچ چشم‌داشتی همواره حمایتان نمودند. از استاد بزرگووارم سرکار خانم دکتر یوسفی سپاسگزارم که چه در قالب یک استاد و چه در قالب یک مدیر همواره مرا حمایت نموده و از لطف خویش بهره‌مند ساختند. سپاس خویش را به استاد گرامیم سرکار خانم دکتر فولادچنگ تقدیم می‌کنم که آرامش وجود و شخصیت والایشان بر هر کس روشن است. از استاد گرانقدر سرکار خانم دکتر شیخ‌الاسلام تقدیر می‌کنم که پیشرفت مراحل مختلف این رساله را مدیون زحمات گرانقدر ایشان می‌باشم.

از پدر و مادر عزیزم سپاسگزاری می‌کنم که با دلسوزی و محبت همواره حمایت نمودند و هرآنچه که امروز هست، حاصل تلاش و زحمت سالیان سال آنهاست. در انتها از مریم و آدینای عزیزم تقدیر می‌کنم که رنج و سختی واقعی این رساله را بر دوش آنها می‌بینم. صبر، بردباری و حمایتشان، امکان رسیدن به این نقطه را برایم مهیا نمود. امیدوارم که بتوانم قدردان محبتشان بوده و شاکر نعمت بودنشان در کنارم باشم.

## چکیده

پیش‌بینی فرایند تصمیم‌گیری توسط انگیزش، هیجان‌ات و ارزیابی‌های شناختی هیجان‌ات با واسطه‌گری تمایلات فراشناختی: رویکردی یکپارچه در تصمیم‌گیری

به کوشش

مه‌دی رحیمی

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش متغیرهای انگیزش و عاطفه در فرایند تصمیم‌گیری با واسطه‌گری تمایلات فراشناختی مبتنی بر نظریه پردازش دوگانه کلازینسکی (۲۰۰۵) بود. در این نظریه، تصمیم‌گیری طی دو فرایند پردازش تجربه‌ای و تحلیلی رخ می‌دهد. در فرایند پردازش تجربه‌ای، فرد بصورت کلی، تداعی‌گرا و مبتنی بر تجارب و یافتارها اطلاعات موجود را پردازش می‌کند، اما در پردازش تحلیلی، دست به تحلیل داده‌ها و پردازش عمیق اطلاعات می‌زند و تلاش می‌کند که از تصورات قالبی و یافتارها اجتناب کند. در مطالعه حاضر، ابعاد سبک‌های شناختی شامل نیاز به شناخت، نیاز به ساختار و نیاز به یقین، به عنوان شاخص انگیزش و هیجان‌ات خشم، شادی و غم به عنوان شاخص عاطفه، از طریق واسطه‌گری تفکر فعال روشنفکرانه به عنوان شاخص تمایلات فراشناختی، به پیش‌بینی تصمیم‌گیری تحلیلی پرداختند. در ضمن مبتنی بر نظریه ارزیابی، ابعاد شش‌گانه ارزیابی شناختی شامل خوشایندی، تلاش، قطعیت، توجه، مسئولیت/کنترل فردی و کنترل موقعیتی، نیمرخ شناختی هیجان‌ات سه‌گانه مذکور را ترسیم نمودند. جهت بررسی ابعاد ارزیابی شناختی هر هیجان، فرد باید در موقعیت ایجادکننده هیجان قرار می‌گرفت، لذا هر هیجان باید بصورت مجزا بررسی می‌گردید. به همین دلیل جهت دستیابی به اهداف پژوهش، سه مدل طراحی گردید که در هر کدام اثر یک هیجان (همراه با نیمرخ شناختی) و ابعاد سبک‌های شناختی بر تصمیم‌گیری با واسطه‌گری تفکر فعال روشنفکرانه مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت جهت مقایسه اثر سه هیجان ذکر شده، در مدل چهارم، اثر هیجان‌ات خشم، شادی و غم (به عنوان صفت و نه حالت و بدون بررسی ابعاد ارزیابی شناختی) بر تصمیم‌گیری تحلیلی با واسطه‌گری تفکر فعال روشنفکرانه بررسی گردید.

۹۲۱ نفر از دانشجویان دختر (۵۰۱ نفر) و پسر (۴۲۰ نفر) مقطع کارشناسی دانشکده‌های مختلف دانشگاه شیراز، گروه نمونه پژوهش حاضر را تشکیل دادند که به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب گردیدند. ابزارهای نیاز به شناخت کاجیوپو و همکاران (۱۹۹۶)، نیاز به ساختار و نیاز به یقین تامپسون و همکاران (۱۹۹۲)، ابزارهای خشم لرنر و کلتنر (۲۰۰۰)، شادی لیومیرسکی و لپر (۱۹۹۹)، غم رادلف (۱۹۹۱)، ارزیابی شناختی اسمیت و الزورث (۱۹۸۵)، تفکر فعال روشنفکرانه استانوویچ و وست (۲۰۰۷) و تصمیم‌گیری کلازینسکی (۲۰۰۱) مورد استفاده قرار گرفتند و نتایج تحلیل عاملی و ضرایب آلفای کرونباخ نیز روایی و پایایی مطلوب آنها را تأیید نمودند. در ضمن جهت ایجاد هیجان نیز از روش لرنر و کلتنر (۲۰۰۱) استفاده شد. یافته‌ها در خصوص مدل اول، حاکی از آن بود که هیجان خشم بصورت مستقیم و غیرمستقیم (از طریق

واسطه‌گری تفکر فعال روشنفکرانه) پیش‌بینی کننده منفی تصمیم‌گیری تحلیلی بود. مدل دوم نیز نقش پیش‌بینی کنندگی منفی (مستقیم و غیرمستقیم) هیجان شادی در مورد تصمیم‌گیری تحلیلی را تأیید نمود. در مدل سوم نتایج بیانگر آن بود که هیجان غم، تصمیم‌گیری تحلیلی را پیش‌بینی نمی‌کند. در هر سه مدل مذکور، نیاز به شناخت پیش‌بینی کننده مثبت و نیاز به ساختار پیش‌بینی کننده منفی تصمیم‌گیری تحلیلی بود. نیاز به یقین نیز تصمیم‌گیری را پیش‌بینی نمی‌کرد. در نهایت مدل چهارم نشان داد که اثر خشم بر تصمیم‌گیری قوی‌تر از شادی است و غم نقشی در تصمیم‌گیری تحلیلی ندارد. در ضمن، در خصوص اثر ارزیابی شناختی بر هیجان‌ات، نتایج حاکی از آن بود که ابعاد قطعیت و مسئولیت/کنترل فردی پیش‌بینی کننده هیجان خشم، ابعاد قطعیت، خوشایندی و تلاش پیش‌بینی کننده هیجان شادی و ابعاد خوشایندی، قطعیت، مسئولیت/کنترل فردی و کنترل موقعیتی پیش‌بینی کننده هیجان غم بودند.

نتایج مطالعه حاکی از آن بود که متغیرهای داغ انگیزش و عاطفه بر تصمیم‌گیری مؤثرند و تفکر فعال روشنفکرانه نیز اثر آنها را واسطه‌گری می‌کند. بدین معنا که هر هیجان یا سبکی از شناخت که تفکر روشنفکرانه‌تر را به دنبال داشته باشد، منجر به تصمیم تحلیلی‌تر و انطباقی‌تر می‌گردد. بعلاوه، هیجان‌ات گوناگون دارای نیمرخ شناختی ویژه و اثرات منحصر به فردی بر پیامدهای شناختی می‌باشند. یافته‌های مطالعه حاضر در قالب چهار مدل یکپارچه (انگیزشی - هیجانی - شناختی) ارائه گردیده و مورد بحث قرار گرفته‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** ارزیابی شناختی، خشم، شادی، غم، انگیزش، نیاز به شناخت، نیاز به ساختار، نیاز به یقین، تمایلات فراشناختی، تفکر فعال روشنفکرانه، تصمیم‌گیری تحلیلی، تصمیم‌گیری تجربه‌ای.



## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
<b>فصل اول: مقدمه</b>	
۱-۱- کلیات	۲
۱-۱-۱- مدل پردازش دوگانه کلایزینسکی	۴
۱-۱-۲- انگیزش	۹
۱-۱-۳- عاطفه	۱۲
۱-۱-۳-۱- هیجان و شناخت	۱۴
۱-۲- بیان مسأله	۱۹
۱-۲-۱- سؤالهای پژوهش	۲۳
۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش	۲۴
<b>فصل دوم: مبانی نظری و تحقیقات پیشین</b>	
۲-۱- تصمیم‌گیری و نظریه‌های آن	۲۸
۲-۱-۱- نظریه سودمندی مورد انتظار ذهنی	۲۸
۲-۱-۲- نظریه چشم‌انداز	۳۰
۲-۱-۳- شناخت داغ	۳۳
۲-۱-۳-۱- مدل پردازش دوگانه کلایزینسکی	۳۶
۲-۲- فراشناخت و تصمیم‌گیری	۴۰
۲-۳- سبک‌های شناختی و تصمیم‌گیری	۴۴
۲-۳-۱- نیاز به ساختار	۴۵
۲-۳-۲- نیاز به شناخت	۴۶
۲-۳-۳- نیاز به یقین	۴۷
۲-۴- عواطف و تصمیم‌گیری	۴۹
۲-۴-۱- چارچوب ارزیابی شناختی	۵۴

- ۶۰-۲-۴-۲- چارچوب پتانسیل فعالیت.....
- ۶۶-۲-۵- نتیجه‌گیری از تحقیقات پیشین.....
- ۶۶-۲-۶- فرضیه‌های پژوهش.....

### فصل سوم: روش پژوهش

- ۷۰-۳-۱- شرکت‌کنندگان پژوهش.....
- ۷۰-۳-۲- ابزارها.....
- ۷۱-۳-۲-۱- مقیاس سبک‌های شناختی.....
- ۷۳-۳-۲-۲- مقیاس‌های هیجانات.....
- ۷۳-۳-۲-۲-۱- مقیاس خشم.....
- ۷۳-۳-۲-۲-۲- مقیاس شادی.....
- ۷۴-۳-۲-۲-۳- مقیاس غم.....
- ۷۴-۳-۲-۳- مقیاس ارزیابی شناختی.....
- ۷۶-۳-۲-۴- مقیاس تمایلات فراشناختی.....
- ۷۷-۳-۲-۵- ابزار تصمیم‌گیری.....
- ۷۷-۳-۳- روش اجرا.....
- ۷۹-۳-۴- روش آماری.....

### فصل چهارم: یافته‌های پژوهش

- ۸۲-۴-۱- مدل اثر هیجان خشم و سبک‌های شناختی بر تصمیم‌گیری تحلیلی  
به واسطه‌گیری تفکر فعال روشنفکرانه.....
- ۸۶-۴-۲- مدل اثر هیجان شادی و سبک‌های شناختی بر تصمیم‌گیری تحلیلی  
به واسطه‌گیری تفکر فعال روشنفکرانه.....
- ۹۰-۴-۳- مدل اثر هیجان غم و سبک‌های شناختی بر تصمیم‌گیری تحلیلی  
به واسطه‌گیری تفکر فعال روشنفکرانه.....
- ۹۵-۴-۴- مقایسه اثر سه هیجان خشم، شادی و غم بر تصمیم‌گیری تحلیلی  
به واسطه‌گیری تفکر فعال روشنفکرانه.....

## فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری

- ۵-۱- ارزیابی‌های شناختی و هیجانات ..... ۱۰۰
- ۵-۲- هیجانات و تصمیم‌گیری تحلیلی: اثر مستقیم و غیرمستقیم با واسطه‌گری تفکر فعال روشنفکرانه ..... ۱۰۳
- ۵-۳- سبک‌های شناختی و تصمیم‌گیری تحلیلی: اثر مستقیم و غیرمستقیم با واسطه‌گری تفکر فعال روشنفکرانه ..... ۱۰۹
- ۵-۴- مقایسه اثر هیجانات خشم، شادی و غم به عنوان صفت بر تصمیم‌گیری ..... ۱۱۵
- ۵-۵- نتیجه‌گیری ..... ۱۱۶
- ۵-۶- مضامین و پیشنهادات پژوهش ..... ۱۱۸
- ۵-۷- محدودیت‌های پژوهش ..... ۱۲۰

## فهرست منابع و مأخذ

- منابع فارسی ..... ۱۲۱
- منابع انگلیسی ..... ۱۲۲

## پیوست

- پیوست ۱: برخی از یافتارها ..... ۱۴۲
- پیوست ۲: مقیاس نیاز به شناخت ..... ۱۴۸
- پیوست ۳: مقیاس نیاز به یقین ..... ۱۴۹
- پیوست ۴: مقیاس نیاز به ساختار ..... ۱۵۰
- پیوست ۵: مقیاس خشم ..... ۱۵۱
- پیوست ۶: مقیاس شادی ..... ۱۵۲
- پیوست ۷: مقیاس غم ..... ۱۵۳
- پیوست ۸: مقیاس ارزیابی شناختی ..... ۱۵۴
- پیوست ۹: مقیاس تفکر فعال روشنفکرانه ..... ۱۵۵
- پیوست ۱۰: ابزار تصمیم‌گیری ..... ۱۵۷

## فهرست جدول ها

عنوان	صفحه
جدول ۱-۱- ابعاد ارزیابی شناختی (برگرفته از لرنر و کلتنر (۲۰۰۰)).....	۱۶
جدول ۱-۲- مقایسه هیجانان غم، خشم و شادی از لحاظ ابعاد ارزیابی شناختی.....	۱۸
جدول ۲-۱- انواع مدل های پردازش دوگانه.....	۲۸
جدول ۲-۲- تفکیک هیجانان بر اساس پتانسیل فعالیت.....	۶۱
جدول ۳-۱- ترکیب جنسیتی گروه نمونه در چهار گروه پژوهش.....	۷۰
جدول ۳-۲- نتایج تحلیل عامل مقیاس سبک های شناختی.....	۷۲
جدول ۳-۳- نتایج تحلیل عامل مقیاس ارزیابی شناختی.....	۷۵
جدول ۳-۴- مقایسه میانگین هیجانان سه گانه در گروه های یک تا سه با گروه چهار.....	۷۸
جدول ۴-۱- میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مدل خشم به تفکیک جنسیت.....	۸۲
جدول ۴-۲- ماتریس همبستگی متغیرهای مدل خشم.....	۸۳
جدول ۴-۳- ضرایب و معنی داری مسیرهای مدل خشم.....	۸۴
جدول ۴-۴- اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پژوهش بر تصمیم گیری	
تحلیلی در مدل خشم.....	۸۶
جدول ۴-۵- شاخص های برازش مدل خشم.....	۸۶
جدول ۴-۶- میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مدل شادی به تفکیک جنسیت.....	۸۶
جدول ۴-۷- ماتریس همبستگی متغیرهای مدل شادی.....	۸۷
جدول ۴-۸- ضرایب و معنی داری مسیرهای مدل شادی.....	۸۸
جدول ۴-۹- اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پژوهش بر تصمیم گیری	
تحلیلی در مدل شادی.....	۹۰
جدول ۴-۱۰- شاخص های برازش مدل شادی.....	۹۰
جدول ۴-۱۱- میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در مدل غم.....	۹۱
جدول ۴-۱۲- ماتریس همبستگی متغیرهای مدل غم.....	۹۲
جدول ۴-۱۳- ضرایب و معنی داری مسیرهای مدل غم.....	۹۳

جدول ۴-۱۴- اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پژوهش بر تصمیم‌گیری	
تحلیلی در مدل غم.....	۹۵
جدول ۴-۱۵- شاخص‌های برآزش مدل غم.....	۹۵
جدول ۴-۱۶- میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش به تفکیک جنسیت.....	۹۵
جدول ۴-۱۷- ماتریس همبستگی متغیرهای مدل هیجانات سه‌گانه.....	۹۶
جدول ۴-۱۸- ضرایب و معنی داری مسیرهای مدل هیجانات سه‌گانه.....	۹۶
جدول ۴-۱۹- اثرات مستقیم و غیرمستقیم در مدل هیجانات سه‌گانه.....	۹۷

## فهرست شکل ها

عنوان	صفحه
شکل ۱-۱- مدل اثر هیجانان و سبک‌های شناختی بر تصمیم‌گیری با واسطه‌گری تمایلات فراشناختی.....	۲۳
شکل ۲-۱- کارکرد مقعر برای اکتساب‌ها.....	۳۱
شکل ۲-۲- کارکرد ارزش در نظریه چشم انداز.....	۳۱
شکل ۲-۳- روند تصمیم‌گیری تحلیلی در مواجهه با شواهد حامی، خنثی یا تهدیدگر نسبت به باورها.....	۴۱
شکل ۲-۴- اثر تمایلات فراشناختی بر تصمیم‌گیری.....	۴۴
شکل ۲-۵- نقش واسطه‌گری تمایلات فراشناختی در رابطه سبک‌های شناختی و تصمیم‌گیری.....	۴۸
شکل ۲-۶- تفکیک هیجانان بر اساس ابعاد تلاش و خوشایندی.....	۵۶
شکل ۲-۷- تفکیک هیجانان بر اساس ابعاد قطعیت و توجه.....	۵۶
شکل ۲-۸- تفکیک هیجانان بر اساس ابعاد مسئولیت و کنترل.....	۵۷
شکل ۲-۹- نقش واسطه‌گری تمایلات فراشناختی در رابطه بین هیجان خشم و تصمیم‌گیری.....	۶۳
شکل ۲-۱۰- نقش واسطه‌گری تمایلات فراشناختی در رابطه بین هیجان شادی و تصمیم‌گیری.....	۶۴
شکل ۲-۱۱- نقش واسطه‌گری تمایلات فراشناختی در رابطه بین هیجان غم و تصمیم‌گیری.....	۶۵
شکل ۲-۱۲- مقایسه اثر سه هیجان خشم، شادی و غم بر تصمیم‌گیری با واسطه‌گری تمایلات فراشناختی.....	۶۵
شکل ۲-۱۳- مدل اثر هیجان خشم و سبک‌های شناختی بر تصمیم‌گیری با واسطه‌گری تمایلات فراشناختی.....	۶۷

شکل ۱۴-۲- مدل اثر هیجان شادی و سبک‌های شناختی بر تصمیم‌گیری با واسطه‌گری تمایلات فراشناختی.....	۶۸
شکل ۱۵-۲- مدل اثر هیجان غم و سبک‌های شناختی بر تصمیم‌گیری با واسطه‌گری تمایلات فراشناختی.....	۶۸
شکل ۱-۴- مدل اثر هیجان خشم و سبک‌های شناختی بر تصمیم‌گیری با واسطه‌گری تفکر روشنفکرانه.....	۸۵
شکل ۲-۴- مدل اثر هیجان شادی و سبک‌های شناختی بر تصمیم‌گیری با واسطه‌گری تفکر روشنفکرانه.....	۸۹
شکل ۳-۴- مدل اثر هیجان غم و سبک‌های شناختی بر تصمیم‌گیری با واسطه‌گری تفکر روشنفکرانه.....	۹۴
شکل ۴-۴- مدل اثر هیجان خشم و شادی بر تصمیم‌گیری با واسطه‌گری تفکر روشنفکرانه.....	۹۷

# فصل اول



## مقدمه

### ۱-۱- کلیات

مردم هرروزه تصمیمات بیشماری می‌گیرند، از تصمیمات سریع و سطحی که پیامدهای زودگذر دارند (مثلاً، انتخاب نوشیدنی، نوع غذا و یا نوع برنامه تلویزیونی برای تماشا) تا تصمیماتی که پیامدهای پایدارتری دارند (مثلاً، چگونگی هزینه کردن درآمد بازنشستگی و یا انتخاب همسر). از جمله تصمیمات با اهمیت در زمینه تحصیل را نیز می‌توان شامل انتخاب مدرسه و دانشگاه، رشته تحصیلی، استاد، نحوه مطالعه و ... دانست که خطا در آنها می‌تواند طیفی از اثرات سطحی تا فراگیر (سبک زندگی) را در بر گیرد. به همین لحاظ در سالهای اخیر، روزنامه‌ها، برنامه‌های تلویزیونی و دیگر رسانه‌ها روی تصمیمات دشواری که مردم و بخصوص جوانان باید بگیرند، تمرکز کرده‌اند و به تبع آن والدین، معلمین، اساتید، نهادهای حکومتی و محققین، نکات متعددی را پیرامون تصمیم‌گیری مدّ نظر قرار داده‌اند از جمله: نحوه انتخاب یک رفتار، نحوه اتخاذ یک تصمیم پرخطر، عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری و نحوه تغییر در روند تصمیم‌گیری طی رشد.

برابر یکی از تعاریف مشهور، یک تصمیم پاسخ به موقعیتی است که شامل سه بخش می‌باشد: اول اینکه بیش از یک گزینه جهت انتخاب وجود دارد؛ دوم اینکه انتخابگر می‌تواند انتظاراتی در مورد پیامدهای انتخاب هر گزینه شکل دهد؛ و سوم اینکه پیامدهای احتمالی هر گزینه توسط پیوستار ساخته شده از اهداف و ارزشهای شخصی فرد قابل ارزیابی است (هستای<sup>۱</sup> و دیوز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰).

عمده تحقیقات تصمیم‌گیری و تفکر طی ۵۰ سال اخیر رخ داده‌اند؛ چراکه تا دهه ۱۹۵۰، روان‌شناسی تحت سیطره دو سنت روان‌تحلیل‌گری و رفتارگرایی بود. هیچکدام از این دو نظریه به تفکر به عنوان تعیین‌کننده اساسی رفتار انسان نگاه نمی‌نمودند. نیازها و تمایلات ناهشیار (همراه با مکانیسم‌های دفاعی) عناصر اساسی نظریه روان‌تحلیل‌گری هستند و بر اساس رویکرد رفتارگرایی، تقویتی که به دنبال رفتار می‌آید (پاداش یا تنبیه) تعیین می‌کند که رفتار تبدیل

---

<sup>1</sup> Hastie

<sup>2</sup> Dawes

به عادت می‌شود یا خیر. هر چند این دو نظریه در تضاد با یکدیگرند، اما از این حیث که به هشیاری توجهی ندارند، دارای اشتراک می‌باشند.

هیچکدام از نظریه‌های روان‌تحلیل‌گری یا رفتارگرایی فرد را به عنوان تصمیم‌گیرنده‌ای که بطور عمدی به گزینه‌های مختلف وزن می‌دهد و از بین آنها انتخاب می‌کند، نمی‌شناسند و ضمناً هیچکدام توجهی مناسبی در رفتار تصمیم‌گیری ندارند. اکثر روان‌شناسان امروزه پذیرفته‌اند که ایده‌ها و باورها رفتار را موجب می‌شوند و روان‌شناسی شناختی پایگاه مناسبی برای توجهی رفتار است.

با ظهور انقلاب شناختی، بحث پیرامون این که دانش اجتماعی به چه نحوی بازنمایی می‌شود و مورد استدلال و یا یادآوری قرار می‌گیرد، اوج گرفت. در پی این مورد، فرایندهای ذهنی و مبتنی بر پردازش اطلاعات مورد تمرکز واقع گردیدند؛ فرایندهایی که تحت عنوان «شناخت سرد»<sup>۱</sup> اطلاق می‌گردند. شناخت سرد مبتنی بر استعاره کامپیوتری از انسان به عنوان یک پردازشگر اطلاعات منزوی<sup>۲</sup> است. مدل‌های مبتنی بر شناخت سرد، در صورت‌بندی‌های نظری خود، بیشتر بر ساز و کارهای شناختی تأکید داشتند و توجه چندانی به فرایندهای انگیزشی، هیجانی و عاطفی نمی‌کردند؛ زیرا مدل‌های شناختی بسیار مورد پذیرش قرار داشتند و از طرفی محققان در اینکه بتوانند فارغ از مکانیسم‌های شناختی، اثر انگیزش یا عاطفه را توضیح دهند، بسیار تردید داشتند. اگرچه مدل‌های مذکور، به شناخت و تحلیل فرایندهای شناختی، کمک شایانی نمودند، اما موجب غفلت از نقش عوامل انگیزشی، عاطفه و بافت شدند. به همین لحاظ، رویکرد دیگری در حوزه روان‌شناسی شناختی متولد شد که بر فرایندهای انگیزشی، هیجانی و عاطفی متعامل با شناخت نظر داشت. در رویکرد مذکور، برای تمایز این‌گونه فرایندها از صرف شناخت، واژه «شناخت داغ»<sup>۳</sup>، که دلالت بر فرایندهای انگیزشی و عاطفی دارد، را بکار گرفتند. شناخت داغ به آن دسته از فرایندهای ذهنی اشاره می‌کند که از تمایلات و احساسات نشأت می‌گیرند؛ فرایندهایی که از طریق آن اهداف و خلق، موجب تغییر در قضاوت می‌شوند (کاندا<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲). در مبحث شناخت داغ، انگیزش و عاطفه بر انتخاب مفاهیم، باورها و قوانین و همچنین انتخاب فرایندهای پردازشی از نوع سریع و میانبر و یا نظام‌مند و بسط‌یافته مؤثر واقع می‌گردند.

یکی از شاخص‌های مهم شناخت داغ، مفهوم استدلال انگیخته<sup>۵</sup> است. این استدلال شامل استنباط‌های شناختی است که تحت تأثیر جنبه‌های داغ شناخت شامل انگیزش، عواطف و اهداف هستند (گلویتزر<sup>۶</sup> و موسکوویتز<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶؛ کروگلانسکی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶؛ کاندا، ۱۹۹۰). به عبارت

<sup>۱</sup> Cold cognition

<sup>۲</sup> Isolated

<sup>۳</sup> Hot cognition

<sup>۴</sup> Kunda

<sup>۵</sup> Motivated reasoning

<sup>۶</sup> Gollwitzer

دیگر، انگیزش و عواطف بر مفاهیم، باورها و قواعد مورد استفاده در تصمیم‌گیری اثر می‌گذارند. یعنی افراد از قواعدی در تصمیم‌گیری و قضاوت استفاده می‌کنند که با اهداف و عواطفشان هماهنگ باشد. بعلاوه، انگیزش و عواطف نحوه پردازش را نیز تعیین می‌کنند؛ بدین صورت که در تصمیم‌گیری و قضاوت، بر استفاده فرد از یافتارها<sup>۳</sup> و یا در مقابل تأکید بر فرایندهای نظام‌دار منطقی تأثیر می‌گذارند (کاندا، ۲۰۰۲). در استدلال انگیخته امکانات شناختی در اختیار اهداف انگیزشی قرار می‌گیرند و از انگیزش و عواطف اثر می‌پذیرند. تعیین عقاید و نگرشها، ادراک، ارزیابی شواهد، نتیجه‌گیری و تصمیم‌گیری از جمله فرایندهای زیرمجموعه استدلال انگیخته لحاظ می‌شوند (کاندا، ۱۹۹۰).

در این راستا پژوهش حاضر به دنبال بررسی ساز و کار فرایند تصمیم‌گیری از منظر شناخت داغ و با توجه به مفهوم استدلال انگیخته بود. به بیان دیگر، در پژوهش حاضر، بررسی نقش انگیزش و عواطف به عنوان پیشایندهای داغ تصمیم‌گیری مورد نظر بود. یکی از مدل‌های رشدی- شناختی تصمیم‌گیری که مباحث شناخت داغ نیز در آن قابل توجیه است، مدل پردازش دوگانه کلازینسکی<sup>۴</sup> (۲۰۰۴، ۲۰۰۵) می‌باشد. پژوهش حاضر ضمن گسترش مدل حاضر، تلاش نمود تا تصویری گسترده‌تر از مدل‌های پردازش دوگانه در زمینه تصمیم‌گیری ارائه نماید. بر این اساس، پیش از تشریح مسأله پژوهش ضروری است تا تصویری از مدل مذکور ارائه شود.

### ۱-۱-۱- مدل پردازش دوگانه کلازینسکی

مدل‌های پردازش دوگانه معتقدند که پردازش اطلاعات طی دو فرایند مجزا یا دو سیستم مستقل شامل فرایند تداعی‌گرا<sup>۵</sup> و فرایند قاعده‌گرا<sup>۶</sup> رخ می‌دهند. فرایند اول، کلی، خودکار و سریع است و در مقابل، فرایند دوم تحلیلی، کنترل‌شده و تقریباً کند می‌باشد. بر اساس این مدل، فرد در موقعیت‌های گوناگون بسته به عوامل متعدد، یک یا هر دو مسیر را در پردازش اطلاعات بکار می‌گیرد.

در همین راستا مدل کلازینسکی نیز بر رشد راهکارهای پردازش اطلاعات زیربنای تصمیم‌گیری تمرکز نمود. در این مدل، پردازش اطلاعات در دو نظام مستقل تجربه‌ای<sup>۷</sup> و تحلیلی<sup>۸</sup> رخ می‌دهد (کلازینسکی، ۲۰۰۱ الف؛ کلازینسکی، ۲۰۰۵). سیستم پردازش تجربه‌ای

---

<sup>1</sup> Moskowitz  
<sup>2</sup> Kruglanski  
<sup>3</sup> Heuristics  
<sup>4</sup> Klaczynski  
<sup>5</sup> Associative  
<sup>6</sup> Rule-based  
<sup>7</sup> Experiential  
<sup>8</sup> Analytic

شامل پردازش پیش‌هشیار<sup>۱</sup> حافظه رویه‌ای<sup>۲</sup> است که جهت هدایت قضاوت و تصمیم‌گیری به کار می‌رود (کلارینسکی، ۲۰۰۱ الف؛ چن<sup>۳</sup> و چایکن<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹؛ اپشتین<sup>۵</sup>، ۱۹۹۴؛ اپشتین و پاچینی<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹). از ویژگی‌های اساسی این نوع پردازش، استفاده از یافتارها در قضاوت و تصمیم‌گیری می‌باشد. اگر چه برخی از این یافتارها به طور آشکار آموخته می‌شوند، اما بیشتر بطور ضمنی در خلال فرایندهای شناختی به دست می‌آیند (ربر<sup>۷</sup>، ۱۹۹۲). یافتارهای قضاوت و تصمیم‌گیری بصورت خودکار توسط نشانه‌های محیطی فعال می‌شوند. کاربرد یافتارها تنها سرعت بخشیدن و ساده نمودن موقعیت تصمیم‌گیری نیست (گیگرنزر<sup>۸</sup>، ۱۹۹۶)، بلکه برخی مواقع منجر به نتایج مفید، یا حداقل غیرمضر، برای تصمیم‌گیرنده نیز می‌شود. از آنجا که فعال شدن یافتارها بصورت خودکار، بدون تلاش و با کمترین سطح هشیاری است و از آن رو که به هنگام فعال شدن آنها، فرد یقین به درستی عمل خود دارد، در تصمیم‌گیری بسیار به کار می‌روند. برخی از این یافتارها در پیوست ۱ مورد بحث قرار گرفته‌اند.

سیستم پردازش تجربه‌ای با هشیاری اندک یا بدون هشیاری تصمیم‌گیرنده، بصورت مداوم اطلاعات را جذب کرده و نشانه‌های درونی و بیرونی را با رویکردهای حافظه جور می‌کند. این فرایند جور کردن، یافتارهای خاصی را برای استفاده در موقعیت‌های خاص فعال کرده و در دسترس قرار می‌دهد. در مجموع سیستم تجربه‌ای، سریع، خودکار و دارای هشیاری اندکی است (اپشتین، ۱۹۹۴). این سیستم طراحی و جذب اطلاعات در طبقات دانش فعلی را تسهیل می‌کند، راهکارهای هشیار را به خودکار تبدیل می‌کند و به فعال‌سازی یافتارها و خاطراتی که سوگیری‌های قضاوتی را تولید و یا در استدلال عینی مداخله می‌کنند، کمک می‌نمایند. از آنجا که این سیستم قبل از سیستم تحلیلی رشد می‌کند و مهمتر از آن، نیاز به تلاش شناختی کمتر دارد و منابع شناختی کمتری را نیز صرف می‌کند، به عنوان سیستم پردازش پیش‌فرض<sup>۹</sup> در نظر گرفته می‌شود (برینرد<sup>۱۰</sup> و رینا<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۱؛ اپشتین، ۱۹۹۴).

سیستم پردازش دوم یعنی سیستم تحلیلی، شامل تفکر هشیارانه، تلاشمند و کنترل‌شده است و از ضرورت‌های رشد شناختی و تصمیم‌گیری هنجاری<sup>۱۲</sup> است (اوانز<sup>۱۳</sup> و اور<sup>۱۴</sup>، ۱۹۹۶؛

---

<sup>1</sup> Preconscious

<sup>2</sup> Procedural

<sup>3</sup> Chen

<sup>4</sup> Chaiken

<sup>5</sup> Epstein

<sup>6</sup> Pacini

<sup>7</sup> Reber

<sup>8</sup> Gigerenzer

<sup>9</sup> Default

<sup>10</sup> brainerd

<sup>11</sup> Reyna

<sup>12</sup> Normative

<sup>13</sup> Evans

<sup>14</sup> Over